

مصطفی باقری

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

محمد ادیبی مهر^۱

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

احمد رضا بهنیا فر

گروه معارف اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

مسئولیت انگاری ناشی از عملیات ورزشی از منظر حقوق مدنی و فقه امامیه

چکیده

ظهور پدیده پرخاشگری و خشونت بین ورزش ها در چارچوب تئوری رفتار غریزی با توجه به نوع ورزش و ماهیت آن تبیین می شود و مسئله پژوهش حاضر تبیین ماهیت رفتارخشن ورزشی با رویکرد فقهی حقوقی بوده است. به نظر می رسد راهکار حل این مسئله، مسوولیت انگاری فقهی حقوقی نسبت به رفتار های آسیب زای ورزشی بر اساس موازین وضوابط پی ریزی شده در مبانی این رویکرد و کاربرد آنها جهت استنتاج قوانین یا تبصره های احیانا مغفول مواد حقوقی مورد بهره برداری در حیطه امور ورزشی باشد. لذا افزایش آگاهی های حقوقی جامعه ورزشی در راستای جلوگیری از وقوع حوادث ورزشی ضروری بوده و مهم ترین نتیجه حاصل از این اهداف، در امان نگهداشتن سلامت جسمی، روانی و حیثیتی ورزشکاران و نیز مصون داشتن مدیریت های ورزشی از مسوولیت های قانونی است. روش تحقیق این مطالعه توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه ای با ابزار فیش برداری انجام شده است و در جهت پاسخ به این سوالات است که مسوولیت ورزشکاران در خصوص عملیات ورزشی در حقوق مدنی و فقه اسلامی به چه شکل می باشد؟ نتایج تحقیق بیانگر این است که چنانچه رفتار ورزشکار

¹ madiby@ut.ac.ir

فصلنامه علمی-پژوهشی فقه و تاریخ تمدن • سال چهاردهم • شماره پنجاه و ششم • تابستان ۱۳۹۷

خاطی، ناشی از بی احتیاطی یا بی مبالاتی باشد، مسئولیت حقوقی یا مدنی ایجاد خواهد کرد و در صورتی که رفتار ورزشکار خاطی، ناشی از فعل عمد باشد، علاوه بر ایجاد مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری را

نیز در بر خواهد داشت. این موضوع در حالی است که اگر هیچ کدام از موارد مذکور وجود نداشته باشد، در این صورت، به جهت پیش بینی و احتمال بروز صدمات و جراحات که در ورزش حرفه‌ای اجتناب ناپذیر است، مسئولیتی برای ورزشکار در بر نخواهد داشت. بر اساس دیدگاه برخی از فقها و استاد به قواعد کلی نظیر «لاضرر» پرداختن به ورزش هایی که در آنها احتمال صدمه و آسیب بالا است، حرام است و در صورتی که ایجاد صدمه از سوی یک ورزشکار بر ورزشکار دیگر باشد، ورزشکار صدمه زنده، ضامن خواهد بود.

واژگان کلیدی: حقوق مدنی، عملیات ورزشی، فقه امامیه، مسئولیت، جبران صدمه.

مقدمه

مسئولیت در مقام خسارتی که شخص کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است یا اشیاء تحت حراست وی به دیگری وارد می کند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد، مسئولیت مدنی است. این مسئولیت به دو بخش تقسیم می شود؛ مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد که گاهی آن را مسئولیت تقصیری می نامند. قدر مشترک هر دو نوع مسئولیت، نقض

تعهد والزام آور است. نهایت اینکه در نخستین، نقض تعهد قراردادی می شود و در دومین، نقض تعهد قانونی (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۶۴۵).

هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است. به بیان دیگر، باید زبانی به بار آید تا برای جبران آن مسئولیت ایجاد شود و دینی بر عهده مسئول قرار گیرد. دعوای مسئولیت مدنی هیچ گاه نمی تواند وسیله سود جویی قرار گیرد. پس باید وجود ضرر را رکن اصلی مسئولیت مدنی شمرد و همین امر امتیاز این نهاد حقوقی بر مسئولیت اخلاقی است. قانون مدنی این قاعده را در هیچ متنی به صراحت بیان نکرده است و دلیل این سکوت را باید بدهت امر شمرد. زیرا، آن که زبانی نبوده است حقی هم برطرف پیدا نمی کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

تحقیق حاضر به مسئولیت ناشی از عملیات ورزشی از منظر حقوق مدنی و فقه امامیه می پردازد چرا که امروزه ورزش دیگر صرفا بازی و سرگرمی نیست. ورزش، اکنون دارای ارزش و اهمیت فراوانی در جامعه است و دارای ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فردی است.

از بعد سیاسی چه در درون مرزها و چه برون مرزها، ورزش دارای جایگاه والائی است و پیروزی در میدان های ورزشی وسیله ی مفیدی برای تبلیغ و اثبات اعتبار ملی است. گاه ورزش صحنه کنش های سیاسی دول متخاصم است. کناره گیری ورزشکاران ایرانی از رقابت با ورزشکاران اسرائیلی تبار نمونه ای از چنین کنش هایی است. ورزشکاران نمایندگان غرور ملی و ارزشهای مردم ملل خویش هستند. اهمیتی که ورزش در جهان کنونی دارد موجب گردیده است تا موضوع علوم گوناگون مانند: جامعه شناسی، پزشکی، مدیریت و... قرار گیرد. حقوق نیز همپای دیگر علوم به بررسی این پدیده اجتماعی پرداخته است. زمینه حقوق ورزشی در کشور ما نوپا است و رویه ی قضایی، چندان که باید به این پدیده ی مفید اجتماعی و مبارزه با خطر های ورزش نپرداخته است. بر این اساس به لحاظ فرا گیر بودن مسائل ورزشی در دنیا و به دلیل تبلیغات جهانی مبنی بر عدم توجه کافی اسلام به ورزش ضرورت دیده شد که مشخصات و سیمای کلی ورزش در اسلام از لحاظ فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد و تنظیم و عرضه شود.

هر چند که در خصوص مقررات مربوط به مسائل ورزشی به ویژه حقوق ورزشی در کشور ما متأسفانه کار نشده است و این رشته، رشته بسیار جوانی است که البته در مورد

ضوابط حاکم و آیین نامه هایی که تعیین شده است عمدتاً از کشور های صاحب نظر خارجی استفاده شده است. حتی در ورزش کشتی که ورزش اصلی ما به حساب می آید (نجفی توانا، ۱۳۹۰: ۱۸).

به هر حال در رابطه با ورزش، به هر صورت و نوعی که باشد، مقرراتی حاکم است که رعایت آن مقررات و ضوابط موجب خواهد شد که اولاً: ورزش جنبه ی پرورش جسمی و روحی و ثانیاً جاذبیت لازم و ثالثاً: سلامت افراد ورزشکار و محیط ورزشی را ایجاد کند. این مقررات در رابطه با هر رشته ی ورزشی متفاوت است و تحت ضوابط خاصی است که بعضاً جنبه ی بین المللی دارد.

۲- مبنای مسئولیت مدنی

۲-۱- نظریه تقصیر

براساس این نظریه، مسئولیت دولت و اشخاص، صرفاً در صورتی قابل طرح است که آنان در انجام عمل خسارت بار و زیان آور، مرتکب تقصیری گردیده باشند. طبق نظریه تقصیر، تنها دلیلی که می تواند مسئولیت کسی را در مورد جبران خسارت توجیه کند، وجود رابطه علیت یا سببیت تقصیر او و ضرر وارده است. بر این اساس، خواهان برای دریافت خسارت باید ثابت کند خواننده با ارتکاب تقصیر، زبانی به وی وارد کرده است (میرداداشی، ۱۳۹۳: ۴۳ و ۴۴). قانونگذار در مواد ۳۳۱ و ۳۳۵ ق.م. نظریه تقصیر را قبول کرده است؛ زیرا رکن اساسی مسئولیت را تقصیر و مسامحه و عمد قرار داده است. قانون مسئولیت مدنی نیز در غالب موارد متکی به نظریه تقصیر است.

۲-۲- نظریه خطر

مطابق این نظریه، برای مسئول دانستن شخص، نیازی نیست که در انجام عمل خسارت بار، مرتکب تقصیری شده باشد، بلکه همین که از عمل خطر آفرین او خساراتی به بار آید، خواه در انجام آن عمل مرتکب تقصیر شده یا نشده باشد، مسئول بوده و باید خسارت وارده را جبران کند (میرداداشی، ۱۳۹۳: ۴۸).

از توجه به ماده ۳۲۸ قانون مدنی که عامل زیان را به هر حال، خواه در ایجاد خسارت تقصیر داشته یا نداشته باشد، ضامن و مسئول جبران خسارت می داند، می توان این ماده را

مبتنی بر نظریه خطر تفسیر کرد. همچنین در ماده نخستین قانون بیمه اجباری شخص ثالث، مصوب دی‌ماه ۱۳۴۷، آمده است: کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی ... مسئول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور به اشخاص ثالث وارد شود و مکلف هستند مسئولیت خود را از این جهت بیمه نمایند. بنابراین می‌توان گفت که قانونگذار در ماده نخست قانون بیمه اجباری شخص ثالث به نظریه ایجاد خطر توجه داشته است، زیرا که حکم کلی و منجز و بدون قید و شرط مذکور در ماده فوق بیانگر تضمین و جبران خسارت‌های بدنی و مالی وارده به اشخاص زیان‌دیده است.

۲-۳- نظریه تضمین حق

به موجب این نظریه، هر کس در جامعه حق دارد که سالم و ایمن زندگی کند و از اموال خود سود ببرد. این حق بوسیله قوانین حمایت شده است و ضمانت اجرای این حمایت، مسئولیت مدنی متجاوز است؛ همه وظیفه دارند که به حقوق دیگران احترام گذارند و ایمنی دیگران را به خطر نیندازند. همین که حقی از بین برود باید به وسیله تلف‌کننده آن جبران شود. به بیان دیگر «صدمه به حق حمایت شده کافی برای تعیین ضمانت اجرای آن است. این ضمانت اجرا چیزی جز الزام به جبران آنچه رخ داده نیست؛ یعنی مسئولیت مدنی کسی که سبب آن شده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۹۸-۱۹۷).

۲-۴- نتیجه

نظریه تقصیر و ایجاد خطر، هر دو مبالغه آمیز به نظر می‌رسد. نمی‌توان ارتکاب تقصیر را مبنای منحصر مسئولیت مدنی شمرد. زیرا گاه عدالت ایجاب می‌کند که کسی متحمل ضرر شود که مقصر نبوده است؛ چنان که در روابط کارگر و کارفرما، هیچ کس نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که کارفرما برای تحمل زیانهای ناشی از کار مناسب‌تر از کارگر است. همچنین، بطور کلی نباید شخص را مسئول خساراتی شناخت که از فعالیت‌های مشروع او به بار آمده است. زیرا معقول به نظر نمی‌رسد که ضرورت‌های زندگی اجتماعی ندیده گرفته شود و مسئولیت بر پایه هیچ اصل اخلاقی قرار نگیرد. به دشواری می‌توان داوری عموم را در بند نظریه خاصی محدود کرد. این نکته را به عنوان اصل می‌توان پذیرفت که هر کس در گرو خطاهای خویش است و باید زیان ناشی از تقصیر خود را

بپردازد. ولی نباید این اصل را تغییر ناپذیر و مطلق شمرد. آنچه اهمیت دارد این است که ضرر نامشروعی جبران نشده باقی نماند و همه گفتگوها در این است که در چه مواردی باید ضرر را نامشروع به شمار آورد. به طور خلاصه، نمیتوان هیچ یک از نظریه های ابراز شده را به عنوان مبنای منحصر مسئولیت مدنی پذیرفت و بر پایه آن نظام عادلانه ای ایجاد کرد. ولی حقیقتی که در تمام آنها نیز وجود دارد انکار ناپذیر است. آنچه اهمیت دارد رسیدن به عدالت است و ابزارهای منطقی تنها وسایل راه گشایی به این هدف است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۱۲ و ۲۱۳). به عبارت دیگر؛ قانون ما در بعضی از زمینه ها نظریه تقصیر را قبول کرده و در برخی از فعالیت ها به ویژه در مسائل مربوط به حوادث کار و حوادث رانندگی، نظریه خطر و نظریه تضمین اجتماعی یا نظریه تضمین حقوق افراد را برگزیده است. در واقع آنجا که نفع عموم مورد نظر است و مسائل حمایت اجتماعی به نحو حادثی مطرح می شود مسئولیت مدنی متکی بر نظریه خطر مورد قبول واقع شده است. برخی دیگر از نویسندگان حقوقی، مسئولیت مدنی را در معنای عام مترادف با ضمان قهری دانسته اند و مصادیق آنرا؛ ایفای ناروا، اداره مال غیر، استیفاء از عمل یا مال غیر، غصب، اتلاف و تسبیب احصاء کرده اند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۸ و ۶۱).

۳- آثار مسئولیت مدنی

۳-۱- جبران خسارت

در صورتی که تمام شرایط و ارکان مسئولیت مدنی جمع باشد، زیان دیده حق پیدا می کند که جبران خسارتی را که به او وارد شده است بخواهد. بدین ترتیب، رابطه دینی (تعهد) بین زیان دیده و عامل ورود آن به وجود می آید. رابطه ای که در نتیجه مسئولیت مدنی ایجاد شده است.

هدف از ایجاد مسئولیت مدنی و الزام به دادن مبلغی به زیان دیده همیشه جبران خسارت او نیست. خسارت های معنوی با پرداخت پول جبران نمی شود و وضع زیان دیده به حال طبیعی خود بر نمی گردد. پس باید پذیرفت که در این گونه موارد، خسارت خشنود کننده است نه جبران کننده. با این وجود، هدف اصلی مسئولیت مدنی جبران خسارت است و استفاده از ابزارهای خوشنود کننده، مانند عذرخواهی و تکذیب، به عنوان جانشین و بدل در موردی بکار می رود که جبران خسارت ممکن نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۶۶۷ و ۶۶۸).

۳-۲- راه‌های جبران خسارت

دادگاه می‌تواند شیوه و طریقه جبران خسارت را با توجه به اوضاع و احوال قضیه معین کند (ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی). روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، که همانا شیوه‌های اجرای تعهد فاعل زیان می‌باشند، بر مبنای اهداف مسئولیت مدنی تعیین می‌گردند. اهداف موردنظر عبارت‌اند از: جبران کامل خسارت، جلب رضایت زیان‌دیده و بازگرداندن وضع پیشین وی. با توجه به اینکه اصالت این اهداف در نظام‌های حقوقی متفاوت است، شیوه‌های تأمین آن‌ها یکسان نیست. این راه‌ها به‌طور کلی عبارت‌اند از: جبران عینی یا اعاده وضع سابق که در اشکال مختلف نمود می‌یابد و جبران معادلی که خود بر دو نوع، جبران غیرنقدی خسارت (دادن بدل و مثل) و جبران نقدی (پرداخت پول)، است. اصول کلی روش‌های یادشده در نظام‌های مختلف کم‌وبیش یکسان است، اما کیفیت استفاده از آن‌ها و ترجیحاتی که به هر یک داده می‌شود، در نظام‌های حقوقی متفاوت است (صفایی و ذاکری نیا، ۱۳۹۴: ۲۶۵-۲۸۳). دو شیوه اصلی جبران خسارت در عرض هم نیستند تا هر کدام از عامل زیان یا زیان‌دیده بتواند به میل خود یکی را اختیار کند. اما ترتیب تقدم و تأخر میان آن‌ها به نظم عمومی ارتباط ندارد؛ لذا طرفین می‌توانند برخلاف آن تراضی کنند یا دادگاه طریق متناسب را برگزیند.

۴- جایگاه حقوق در ورزش

حقوق ورزشی به مجموعه مطالبی اطلاق می‌شود که وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های قانونی همه کسانی را که به نحوی با فعالیتهای ورزش درگیر هستند، روشن می‌سازد. به عبارت دیگر مطالعه حقوق ورزش، به جامعه ورزش می‌آموزد که چگونه باید در فعالیتهای ورزشی مشارکت نمود تا حوادث ناشی از آن، مسئولیت‌های قانونی را که نهایتاً به مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و جبران ضرر و زیان منتهی می‌شود، متوجه آنها نسازد (ارشادی فر، ۱۳۸۴: ۱).

از دیدگاه حقوقی، قوانین ورزشی را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

۱- گروهی از قواعد که ساختمان اصلی بازی های ورزشی را احاطه و اداره می کند در واقع قوانین بازی و اجرای درست هر شاخه ای از فعالیت های بدنی است، مانند این که در بازی فوتبال جز دروازه بان، بازیکنان دیگر حق ندارند با دست توپ را هدایت کنند، بازی باید در محدوده ی معین زمین ورزشی جریان یابد، حمله به دروازه بان ممنوع است و مانند اینها. تخلف از این قواعد «خطای ورزشی» است و ضمانت اجرای ویژه ای به عنوان مجازات متخلف را به همراه دارد.

۲- گروه دیگر قواعد، که بعضی مراقبت ها و احتیاط های ویژه را بر بازیکنان تحمیل می کند و هدف آنها تأمین ایمنی بازیکنان به هنگام مسابقه و پرهیز از خشونت و انتقام جویی و سالم سازی محیط ورزشی است (ساریخانی، ۱۳۸۲: ۳۰-۳۱).

قبل از بحث، لازم است منابع حقوقی ورزشی مورد بررسی قرار گیرد. منابع حقوق عبارتند از قانون اساسی، عرف، رویه قضایی، دکترین (آقایی نیا، ۱۳۹۳: ۱۳).

۴-۱- قانون اساسی

در کشور ما، قانون مهمترین منبع حقوق است و قدرت آن را با سایر منابع نباید برابر دانست، ولی همه متونی که به نام قانون مشهور است از حیث اعتبار برابر نیست و سلسله مراتبی بین آنها وجود دارد که در مرحله ی نخست باید مورد توجه قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تربیت بدنی رایگان و ایجاد امکانات و تسهیلات آن از وظایف دولت بر شمرده شده است (بند ۲ اصل سوم قانون اساسی).
با دقت در مفاد این اصل نکات ذیل قابل درک است:

اول: تربیت بدنی یا ورزش به صراحت یاد شده است و این نشانه جایگاه بسیار مهم ورزش در میان اساسی ترین نهاد های کشور هاست به عبارت دیگر ورزش به آن درجه دارای اهمیت است که در قانون اساسی یعنی مهمترین سند حقوقی کشور یا جایگاه اساسی ترین نهاد های کشور قرار گرفته است (آقایی نیا، ۱۳۹۳: ۱۵).

دوم: قرار دادن ورزش در ردیف آموزش و پرورش و آموزش عالی نشان می دهد که از دیدگاه قانون اساسی، ورزش یک نهاد فرهنگی برای نیل به هدف تربیت انسان مورد نظر نظام است و نه یک نهاد مادی و مجموعه ای از حرکات بدنی.

سوم: ورزش در عرض آموزش و پرورش قرار دارد و نه در بطن و یا طول آن و این بدان معناست که ورزش از نظر اهمیت در نیل به اهداف نظام نقشی مستقل و حیاتی دارد و بخشی از آموزش و پرورش نیست (آقایی نیا، ۱۳۹۳: ۱۵). قوانین و مقررات مربوط به حقوق ورزشی باید همگام و همسو با قانون اساسی باشند و قوانین و آیین نامه های مخالف قانون اساسی ممکن است توسط شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری رد و باطل شوند.

۴-۲- عرف ورزشی

یکی از شرایط عملیات ورزشی آن است که در عرف ورزشی مورد قبول قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده باشد زیرا عبارت «نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد» (بند ۳ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) حکایت از آن دارد که باید جزء ورزشهایی باشد که دارای مقررات است و تا ورزشی به رسمیت شناخته نشده باشد مقرراتی هم در مورد آن وضع نمی گردد. البته منظور از مقررات این نیست که چنین مقرراتی باید به صورت مکتوب و مصوب از سوی مرجع خاصی باشد بلکه باید به عرف ورزشکاران حرفه ای آن رشته ورزشی نیز توجه داشت. بنابراین عرف ورزشی نیز از جمله منابع حقوق ورزشی است. در مسئولیت مدنی این که چه عملی تقصیر است عرف ورزشی معین می کند. قصد و عمد و خطا را در ورزشها عرف ورزش تعیین می کند. سیستمهای نقل و انتقال بازیکن نیز تا حد فراوانی از عرف و عادت میان باشگاه ها و بازیکن سرچشمه گرفته است. شاید بهترین دلیل این ادعا تقلید دیگر کشورها از عرفهای حاکم بر سیستمهای نقل و انتقالات بازیکن از همدیگر باشد.

۴-۳- آیین نامه ها

منظور از آیین نامه، مقرراتی است که از سوی مقامات ذیصلاح ورزشی وضع شده اند و این آیین نامه ها به ساختار سازمان ورزشی کشور، چگونگی انجام بازیها و رقابت های ورزشی و مقررات مربوط به نقل و انتقالات بازیکنان هستند. این آیین نامه ها باید از لحاظ قواعد ماهوی مطابق و موافق قوانین اساسی و عادی مملکتی باشند در صورت مخالفت آن با موازین، هر کس می تواند ابطال آنها را از دیوان عدالت اداری بخواهد.

۴-۴- حقوق ورزشی خصوصی

در این گرایش از علم حقوق، با یکی از مباحث مهم حقوق خصوصی درگیر هستیم و آن مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از ورزش می باشد.

هرگاه کسی بارتارخود موجب لطمه به حقوق قانون اشخاص دیگرشود اصطلاحاً می گوئیم که مسئولیت قانونی دارد. گاهی رفتارخلاف قانون متخلف عنوان جرم را دارا است که دراین صورت نوع مسئولیت او کیفری است و «در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۸)

بنابراین هر گاه ورزشکاری در اجرای فن خطا توسط حریف فوت کند عمل او جرم محسوب و مرتکب مسئولیت کیفری دارد ولی اگر بر اثر اصابت غیر عمدی توپ به پنجره منزل مجاور ورزشگاه خسارتی وارد شود و ورزشکار متخلف ضامن خسارت وارده محسوب و ملزم به جبران آن است که می گوئیم مسئولیت مدنی دارد. در بعضی موارد عمل شخص ممکن است متضمن هر دو مسئولیت باشد. به عنوان مثال اگر بر اثر اجرای یک عمل ورزشی خطا، حریف دچار شکستگی شود، ورزشکار متخلف دارای مسئولیت کیفری و مدنی خواهدبود(آقایی نیا، ۱۳۹۳: ۱۷).

۵- مسئولیت مدنی ناشی از عملیات ورزشی

در این گرایش از علم حقوق، به بیان قواعد عمومی مسئولیت مدنی در ورزش پرداخته می شود. اجرای قواعد عمومی مسئولیت در حقوق ورزشی بسیار دشوار می نماید «در تعیین خطای ورزشی به نظر می رسد رفتار ورزشکار آگاه و محتاط و جوانمرد در شرایطی که فعل زیانبار واقع می شود معیار خوبی باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۳۸) فرض می کنیم مهاجم فوتبال در شرایط تک به تک با دروازه بان تیم حریف قرار دارد به علت شتاب خود و حرکت دروازه بان به سمت توپ وی احتمالاً قادر نیست که توپ را به سمت دروازه شلیک کند. لذا از میان شلیک احتمالی توپ و برخورد قطعی با دروازه بان کدام را باید انتخاب کند. به نظر می رسد که با توجه به رفتار یک ورزشکار آگاه و محتاط عدم شلیک توپ و پریدن از روی دروازه بان بهترین راه حل باشد اگر در این شرایط مهاجم این اعمال را انجام ندهد وی مرتکب خطای ورزشی شده است.

ماده یک قانون مسئولیت مدنی که یکی از منابع مهم در این مورد است مقرر می دارد:

«هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا هر حق دیگر که به موجب قانون افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود.» (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی)

رقابت های ورزشی، در همان حال که سبب نشاط روحی و سلامت بدن است گاه موجب بروز خطرها و ابراز ضرب و جرح‌هایی است که به نقض عضو تا مرگ نیز منتهی می شود. در نتیجه حقوق در این دو راهی سرگردان و در تردید است که آیا پرهیز از خطرها را مقدم دارد و بازبهای خطرناک را منع کند یا به اشتیاق دوستداران چنین ورزشهایی پاسخ مثبت دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۰۱). در کشور ما نیز با توجه به فرهنگ اسلامی جامعه، مشروعیت برخی از ورزشها مورد تردید است.

«آنگونه ورزشها و مسابقاتی که مستلزم ایذاء نفس یا ایذاء غیر است اشکال شرعی دارد (آقایی نیا، ۱۳۹۳: ۷۰) مستند این نظر آیه ی شریفه (وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ) است (سوره بقره، آیه ۱۹۵) و حدیث نبوی (لَا ضَرَّ وَلَا ضَرَّ فِي الْإِسْلَامِ) است» (نوری، ۱۳۸۲: ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۵۰).

به نظر می رسد بسیاری از ورزشها چنانچه از حد خود تجاوز نماید موجب ایذاء نفس است از جمله مسابقات دو و ژیمناستیک، چرا که در مسابقات دو بخاطر فشار بیش از حد به قلب آسیب می رساند و ژیمناستیک به نخاع. من جمله ورزشهای ایذاء غیر می توان به کاراته، بوکس و ... اشاره نمود.

به هر ترتیب ورزشهای خطرناک در جهان ورزش وجود دارد و حقوقدانان ناگزیر از بررسی جنبه های حقوقی این ورزشهاست. کاتوزیان در خصوص ماهیت ورزشی و تمیز ویژگیهای آن دو دیدگاه زیر را مطرح نموده است:

۱- تقصیر ورزشی مفهومی است که با قواعد عمومی مسئولیت مدنی نمی توان به آن دست یافت و حقوق مسئولیت ورزشی را باید رشته ای اصیل و مستقل شمرد و جداگانه مطالعه کرد خطای ورزشی را عرف و عادت مشخص می کند، منتها، این عرف به وسیله فدراسیون های بین المللی تدوین و در مجموعه هایی مانند قوانین درج و گاه تعدیل و تصحیح می شود.

نگارنده نیز معتقد است که تجاوز به قواعد بازی و رعایت نکردن احتیاط‌های لازم از نظر حقوقی نیز تقصیر است، زیرا ورزشکار معقول و متعارف، چنین رفتاری ندارد. به همین جهت گفته شده است که تقصیر ورزشی را در دید نخست باید به تجاوز از قواعد ویژه‌ی آن بازی تعبیر کرد.

از مفهوم مخالف بند ۱۵۸ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی نیز چنین بر می آید که نقض مقررات ورزشی تقصیر است در این بند، در زمره‌ی اعمال که جرم نیست می خوانیم: «عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرع مغایر نباشند جرم نیست». بر طبق مفهوم مخالف این حکم باید گفت: مشتی که به خطا در ورزش بوکس زده می شود ایراد ضرب و جرح و تقصیر است.

۲- قبول خطر از سوی ورزشکاران و اقدام و رضای زیان دیده و شرکت او در فعل زیانبار، حتی در آنچه به جان و سلامت او صدمه می زند، و مهمتر از همه، عرف گذشت و مردانگی و تقدیس اخلاقی تهور در بازیهای ورزشی، از عوامل حقوقی و روانی دیگری است که حربه قانون را کند می کند. مگر نه این است که ضرب و جرح عمدی جرم نابخشودنی است. پس چرا کسی که با اراده خویش به میدان می رود و با دنده شکسته یا پای شکسته به بیرون می آید نه تنها غرور خود را بر باد رفته نمی بیند بلکه احساس سربلندی نیز می کند و شکایت او با تحقیر افکار عمومی مواجه می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۰۸).

به نظر نگارنده هیجان و جو حاکم بر مسابقات، تشویق توسط تماشاچیان یا عکس-العمل‌هایی که در بازی عرضه می شوند بر این تخلفات تاثیر مستقیم دارند که همواره حوزه ویژه‌ای برای بحث و جدل اخلاقی محسوب می گردند. با وجود این تفکیک جرمه‌ای که وجود دارد بین آنچه در مسابقه قابل چشم پوشی است و آنچه که دقیقاً در جامعه غیر قانونی است، دشوار است.

۶- عملیات ورزشی در فقه اسلامی

در مکتب اسلام انجام فعالیت های ورزشی و پرورش روح و جسم از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. آیات و روایات متعددی در اسلام راجع به ورزش و وجوب آن وجود دارد نمایانگر دیدگاه روشن شریعت در خصوص مورد است. به موازات این منابع، فقها در

باب مسئولیت های حقوقی ناشی از حوادث ورزشی نظرات پرمحتوی و مستحکمی را مطرح نموده اند. ضمان ناشی از عملیات ورزشی و تعلیم ورزش در فقه سابقه طولانی دارد. رشته های ورزشی در گذشته عمدتاً شامل تیراندازی، اسب سواری، شنا بوده و نظرات فقهی نیز بیشتر حول و حوش همین موارد است. وجود این سابقه طولانی در فقه مؤید چند نکته است: اولاً، اهمیت ورزش و توجه به حوادث ناشی از آن ثانیاً، قدمت این سوابق گرانبها که ما را در مقابل نظام های حقوقی بیگانه مباهی و مفتخر می سازد و در عین حال هشدار می است که نباید صرفاً به افتخارات گذشته به عنوان تاریخچه، دل خوش داشت. بلکه وظیفه ما باید تلاش در جهت تکامل کمی و کیفی آنها باشد و نه صرف نقل آنها.

۶-۱- سوابق فقهی ورزش

دیدگاه جمعی از فقهای که در باب حقوق ورزشی، نظراتی ابراز داشته اند نقل می کنیم:

شیخ طوسی در المبسوط می نویسد: «اذا مرَّ رجلٌ بین الرِّمَاءِ و بین الهداف فأصا به سهم من الرِّمَاءِ فهو خطأ لأنَّ الرامی ما قصده و انما قصد الهداف» (طوسی، ۱۳۸۷ ه.ق: ج ۷: ۱۸۹). هر گاه شخص در محلّ مسابقه تیراندازی از فاصله میان مسیر تیر و هدف عبور کند و مورد اصابت تیر قرار گیرد و کشته شود این قتل خطائی محسوب می گردد زیرا تیرانداز، قصد او نکرده بلکه مقصود او هدف بوده است.

محقق حلی در شرایع الاسلام می نویسد: «اذا قال حدّار لم یضمن...» اگر تیرانداز گفته باشد (حدّار: پرهیز) ضامن نخواهد بود (محقق حلی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۰۲۲).

و همچنین علامه حلی در قواعد الاحکام می فرماید: «و لواجتاز علی الرِّمَاءِ فاصا به احدهم بسهم فان قصد فهو عمد و الا فخطاء ولو ثبت انه قال حدّار لم یضمن ان سمع المرمیّ و لم یعدل مع امکانه» اگر ثابت گردد که را می گفته است «حدّار: پرهیز» و مصدوم شنیده است و با فرض امکان فرار، اقدام به فرار ننموده است ضامن نمی باشد (نجفی، ۱۴۱۳ ه.ق: ج ۱۵: ۲۹۹).

صاحب جواهر گوید: «اذا مرَّ بین الرِّمَاءِ فی مکان مباح له المرور... و قال «قد اعذر من حدّار.» اگر کسی عبور کند از میان تیراندازان در مکانی که برای آن عابر حتّی عبور وجود داشته باشد سپس تیر یکی از آنان به عنوان مثال به او اصابت کند دیه بر عهده عاقله تیرانداز است بدون آنکه خلاف آن را بیابیم (نجفی، ۱۴۱۳ ه.ق: ج ۱۵: ۲۹۹). بین کسانی که

معارض این مسأله شده اند مانند محقق حلی و علامه حلی و شهیدین و دیگران زیرا که تیرانداز در فعل خود و قصد خود خطا کرده است و گرنه قصاص یا دیه از مال خودش بر عهده او خواهد بود. آری اگر ثابت شود که او هشدار داده است و عابر آن را شنیده و امکان بازگشت داشته است عاقله ضامن نیست بی آنکه خلافی بیابیم به دلیل آنچه روایت شده است که کودکی دندان کودک دیگری را در پرتاب تیر... شکسته بود نزد حضرت علی (ع) مرافعه شد و آن صغیر بیینه اقامه کرد که هشدار داده است حضرت قصاص را از او برداشت و فرمود: کسی که هشدار دهد از مجازات معاف است. پس کسی که حذار گفته و شخص را هشدار داده است ضامن نخواهد بود و از مجازات بری می شود (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۹: ۵۰).

همچنین حسین عاملی در مفتاح الکرامه می فرماید: « فان اجتاز علی الرماة فأصابه أحدهم بسهم، فإن قصد فهو عمد و إلا فخطأ » یعنی: اگر کسی از میان تیر اندازان عبور کند و تیراندازی به قصد قتل به وی تیراندازی کند و کشته شود قتل عمدی است در غیر اینصورت سهوی و خطا می باشد (حسینی عاملی، ۱۳۷۸: ۳۰).

در باب ضمان ناشی از تقصیر معلم ورزش نیز فقها نظرات متعددی را ابراز داشته اند که به ذکر معدودی از آنها در باب تعلیم شنا اکتفا می کنیم.

شیخ طوسی در المبسوط می فرماید: «اگر کسی فرزند خود را برای تعلیم شنا به معلم شنا بسپارد ولی طفل غرق شود معلم شنا ضامن است زیرا مرگ به واسطه تعلیم بوده است و همانند این است که معلم طفل را در حین آموزش بزند و موجب مرگ او شود و به دلیل قصور در انجام وظیفه است زیرا وظیفه معلم شنا رعایت احتیاط در حفاظت از او، محکم بستن جلیقه نجات و مراقبت از نزدیک از اوست. پس اگر چنین نکند در حق او قصور کرده است و ضامن است. اما اگر شاگرد شنا بالغ باشد به هیچ وجه معلم مسئولیتی ندارد زیرا که شاگرد عاقل و بالغ وقتی در حین آموزش شنا غرق می شود بی احتیاطی از جانب خود اوست پس دیگری مسئولیت ندارد» (طوسی، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

ابن ادریس حلی گوید: « إذا سلم ولده الی السباح، ليعلمه السباحة، فغرق ضمنه، لانه تلف بالتعليم و... » یعنی: اگر فرزند خود را به آموزنده ی شنا بدهد تا شناگری را تعلیم دهد، سپس کودک غرق شود، آموزنده ی شنا ضامن می باشد زیرا به واسطه ی آموزش او را تلف کرده است (حلی، ۱۴۱۱، ج ۳: ۳۹۹).

در شرایع محقق آمده است: «لو سلّم ولده لمعلّم السباحة فغرق بالتفریط، ضمن فی ماله، لانه تلف بسببه ولو كان بالغاً رشيداً، لم يضمن، لان التفریط منه» یعنی: اگر بدهد فرزند خود را به مربی شنا، پس غرق شود که تفریط، یعنی به تقصیر، استاد ضامن باشد آن را، یعنی: دیه ی او را در مال خود، به جهت آنکه تلف شده است به سبب او، و اگر بوده باشد بالغ رشید، ضامن نباشد، به جهت آنکه تفریط از خود اوست (محقق حلی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۰۲۵).

پس از تصویب ماده ۳۲ قانون راجع به مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ و تأیید آن در سال ۱۳۷۰ در قالب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و با عنایت به قانون اساسی همه دادگاهها موظف به استناد به قانون در حل و فصل دعاوی مطروحه در باب حوادث ناشی از عملیات ورزشی هستند اما در استفتائاتی که در زمینه کاربردی ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی از بعضی فقها به عمل آمده نظرات متفاوتی ابراز گردیده است که به چند مورد از آنها اشاره می شود:

متن استفتا چنین است: نظر مبارک را در خصوص مبنای فقهی و اصولی بند سوم ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: «حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد» (آقای نیا، ۱۳۹۳) و به عنوان یکی از عوامل موجهه جرم شناخته است یعنی تحت آن شرایط یک فعل از حالت جرم بودن خارج می شود مرقوم فرمایید مثل اینکه در ورزش فوتبال یک بازیکن با توپ ضربه می زند که به صورت بازیکن دیگر اصابت می نماید و منتهی به جراحت یا شکستگی می گردد ولی قوانین آن ورزش رعایت شده است.

آیت ... لطف ... صافی چنین پاسخ داده اند: «بازی هایی که به عنوان ورزش انجام می شود صرف نظر از حکم تکلیفی، نفس این بازی ها و بنابر جواز آنها حتی در محدوده های گسترده ای که برای بعضی اشخاص تقریباً مثل یک حرفه و پیشه و شغلی از مشاغل متعارفه و مشروعه می شود از لحاظ حکم جنایاتی که در جریان برگزاری این بازیها از بازیکنان به یکدیگر وارد می شود از لحاظ حکم وضعی قابل بحث است. با توجه به این که این نوع بازیها دو نوع است، یک قسم آن بازی هایی است که بر حسب عرف و عادت مستلزم یا در معرض و رد جراحت و ضربه بر شخص است و قسم دیگر بازی هایی است که

عادتاً در معرض پیشامدهای جنائی نیست... حکم تکلیفی نوع اول... حرمت و عدم جواز است... و اما نوع دوم... حکم وضعی آن نیز اگر جنایتی پیش بیاید حکم سایر جنایات است» (آقای نیا، ۱۳۹۳) ایشان نوع دوم ورزش‌هایی را با وصف اینکه در معرض ورود ضربه ای و صدمه ای عادتاً برطرف نباشد به دو گروه تقسیم می‌نماید گروه اول که ارتباط با ورزش و سلامت جسم دارد و گروه دوم که ارتباط با ورزش و سلامت جسم ندارد. در مورد گروه اول به سکوت برگزار شد ولی از مفهوم مخالفت نظری که در مورد گروه دوم داده شده ظاهراً می‌توان گفت: اگر جنایتی پیش آید حکم سایر جنایات جاری نیست اما در مورد گروه دوم فرض ایشان این است که عادتاً متضمن صدمه نیست. لذا حرمتی بر آن مترتب نیست ولی از نظر حکم وضعی اگر حتی به رغم رعایت مقررات جنایتی پیش آید تفاوتی با جنایاتی که در غیر ورزش صورت می‌گیرد نخواهد داشت.

این که نظر ایشان اولاً با نص صریح بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی در تعارض است و با توجه به اینکه مهمترین منبع حقوق در جمهوری اسلامی ایران قانون است حکم دادگاه به استناد اصول ۳۶ و ۱۴۷ قانون اساسی باید مستند به قانون باشد. ثانیاً این دیدگاه با مصالح اجتماعی و عملکرد حکومت که به استناد قانون اساسی موظف به کارگیری همه امکانات از طریق تربیت بدنی و... برای نیل به اهداف نظام است هم سو نیست. به این دلیل که چگونه می‌توان از یک سو انبوه میلیونی جوانان را در جهت گرایش و پرداختن به ورزش بر طبق مقررات بسیج کرده و آن را مصداقی از معروف دانست، مشروعیت آنها را تأیید نمود و در عین حال از حوادث ناشی از عملیات ورزشی که با ورزش تفکیک‌ناپذیر و منطبق با مقررات است مسئول شناخت. به هر حال نظر ایشان به عنوان فقیه عالی مقام معتبر و مورد احترام است.

همین سؤال از آیت ا... موسوی اردبیلی و آیت ا... صانعی شده است که فتوای ایشان مبتنی بر قاعده اقدام، اذن زیان دیده و قاعده تحذیر صادر و نهایتاً قایل به این هستند که در فرض بالا دیه ندارد و با توجه به علم ورزشکاران به امکان وقوع حوادث ورزشی ورزشکار عملاً با شرکت در فعالیت ورزشی صدمه زننده را برای الذمه نموده و این ابراء عملی به منزله ابراء^۱ قولی است (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

^۱ - ابراء: بری الذمه کردن و آن بدین گونه است که طلبکار، حقی را که بر گردن دیگری دارد ساقط کند، و از آن به

اختیار، صرف نظر می‌نماید. و ابراء از ایقاعات است.

اما آیت ا... مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال که با توجه به مبنای فقهی بند سوم ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری و مدنی آن چیست با صراحت و به نحو موجز چنین پاسخ داده اند. « چنانچه مخالفت موازین شرعی نباشد مسئولیت حقوقی و کیفری ندارد.» (آقای نیا، ۱۳۹۳)

ابن براج طرابلسی می گوید: « إذا سلم انسان ولده، و هو صبی صغیر، الی السابح لیعلمه السباحه فغرق الصغیر، هل علی السابح ضمانه علیه ام لا ؟ الجواب: کان السابح ضمانه، لاتلف بالتعلیم و لآنه فرط فیه، لانه کان یحب علیه ان یحتاط فی حفظه و ملازمه، فاذا لم یفعل ذلک، کان له مفرطاً، و لزمه الضمان، و ان کان المتعلم للسباحه کبیراً، فانه لاضمان فیه، لان البالغ العاقل اذا غرق بتعلم السباحه، فهو الذی ترک الاحتیاط فی حق نفسه، فلاضمان علی احداً فی ذلک» (طرابلسی، ۱۴۱۶هـ.ق: ۲۱۹)

مسأله: اگر انسانی فرزند خود را تحویل دهد به معلم شنا در حالی که آن طفل صغیر و خردسال است تا آن که او را شنا بیاموزد پس طفل غرق شود آیا ضمان طفل بر عهده معلم شنا می باشد یا خیر ؟

جواب: ضمان طفل بر عهده معلم شناست زیرا که طفل به واسطه آموزش شنا تلف شده است و نیز به خاطر آنکه معلم شنا در خصوص طفل تفریط کرده است زیرا که بر معلم واجب بوده است که در نگهداری و همراهی طفل احتیاط کند. بنابراین اگر این کار را انجام ندهد در حق طفل تفریط کرده است و ضمان بر او لازم و واجب می شود اما اگر شاگرد شنا بالغ باشد در خصوص او ضمانی نیست زیرا انسان بالغ و عاقل اگر بواسطه فراگیری شنا غرق شود احتیاط را در حق خودش رها کرده است. بنابراین در این مورد بر هیچ کس ضمانی نخواهد بود.

«و یضمن معلم السباحه الصغیر اذا غرق و ان کان ولیه او من اذن له الولی علی إشکال لآنه إنما بتفریطه فی حفظه و غفلته عنه...» (حسینی عاملی، ۱۳۷۸: ۴۲)

ضامن می باشد معلم شنا، زمانی که کودکی غرق شود، هر چند ولی او را به آموزنده ی شنا داده باشد یا اینکه از طرف ولی اذن داشته باشد با اشکال. زیرا او به واسطه ی کوتاهی در حفظ کودک و غافل شدن از کودک، او را تلف نموده است.

«وَأَن سَلِمَ وَلَدَهُ الصَّغِيرَ إِلَى السَّابِحِ لِيَعْلِمَهُ السَّابِحَةَ فَغَرِقَ فَالضَّمَانُ عَلَى عَاقِلِهِ السَّابِحِ لَأَنَّهُ سَلِمَهُ إِلَيْهِ لِيَحْتَاطَ فِي حِفْظِهِ، فَإِذَا غَرِقَ نَسَبَ إِلَى التَّفْرِيطِ فِي حِفْظِهِ» (ابن قدامه، ۱۴۲۴هـ.ق، ج ۷: ۵۵۶)

اگر کسی فرزند خود را برای تعلیم شنا، به شناگر بسپارد و طفل غرق شود. ضمانت بر عهده ی عاقله ی شناگر است زیرا شناگر در حفظ کودک کوتاهی کرده است. در مورد ورزش سؤالاتی از مراجع تقلید شده است که به بررسی آن می پردازیم:

۶-۲- برخی از احکام فقهی مسابقه ها

بازیها و مسابقه هایی که برای نیرومندسازی بنیه نظامی و دفاعی مسلمانان قرار می گیرد، و آمادگی نظامی آنان را بالا می برد، در اسلام مورد تأیید قرار گرفته است و از آنان منع و جلوگیری نشده است، بلکه مورد دستور روشن دین قرار گرفته است و قرآن مجید به عنوان یک اصل کلی و همیشگی در این زمینه می فرماید:

« وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لِلَّهِ وَعَدُّوا لَكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ... » (سوره انفال، آیه ۶۰)

و تا آن جا که می توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید، تا دشمنان خدا و دشمنان خود را [و آنها که شما نمی شناسید و خدا می شناسد] بترسانید.

لغت اعدوا امر است به اعداد و تهیه. رباط الخیل از ماده ی ربط به معنی بستن در مکانی است و منظور از رباط الخیل محافظت اسبان برای جنگ با دشمن است. ترهبون از باب افعال و از ماده ی رهب (بر وزن قفل) و رهبیت به معنی ترسیدن است، ترسی که توأم با پرهیز و اضطراب باشد(شانه چی، ۱۳۷۸: ۱۵۲).

در تفسیر و برابرسازی آیه شریفه پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «مقصود از این نیرومندی و توانایی «رمی» و آمادگی در تیراندازی است.» (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۳هـ.ق، ج ۱۳: ۳۴۷).

افزون بر اصل مشروع بودن این گونه مسابقه ها و بازیها، شرط بندی و رهان هم در آنها جایز و روا شمرده شده است: «ان الملائکه لتنفر عندالرهان و تلعن صاحبه ما خلا لاحافر و الخف و الریش و النصل.» (عاملی، ۱۴۱۰هـ.ق، ج ۴: ۴۲۱).

مسابقه هایی که در آنها برد و باخت باشد. فرشتگان حضور نمی یابند و نفرت و نفرین خود را بر بازیکنان می فرستد، جز مسابقه اسب دوانی و شتردوانی و کبوترباز و تیراندازی.

آمدی در شرح غرر الحکم و ذررالکلم می نویسد: «گروه هایی که در شرع اقدس تجویز آن شده و آن گروه بندی است در اسب دوانی و همچنین استر و الاغ و شتردوانی و همچنین فیل، خواه نر و خواه ماده، و در آنچه پیکان یا تیغ داشته باشد چنانکه به طریق شیعه و اهل سنت هر دو از حضرت رسالت پناهی روایت شده که فرمود: « لا سَبَقَ الا فی نَصَل او خَفّ او حافر.»؛ هیچ مسابقه [و یا برد و باختی] روا نیست، جز شتردوانی یا اسب دوانی یا تیراندازی.... (آمدی، ۱۳۳۵، ج: ۱، ۳۳۳).

جمال خوانساری، در جمع بین این روایات و دیدگاهها می نویسد: «ممکن است که حمل شود بر کسی که بیراند آن را از برای تربیت جهت نامه بردن و تعلیم آن چون متضمن مصلحتی است و گاه باشد که در جهاد و مانند آن نیز محتاج به آن شوند و گوئیم حرام وقتی است که از برای محض لهو و لعب باشد...» (آمدی، ۱۳۳۵، ج: ۱، ۳۳۴).

از این عبارت آیت ... خوانساری سه نتیجه می توان گرفت:

۱- در آن زمان، از کبوتر برای کارهای مفید و سودمند جامعه استفاده می شده است و در این زمان، این گونه مصلحتها به شکل دیگر و با حیوان یا وسیله ی دیگر مانند اینکه از سگ برای کشف جسد و یا پی گیری و ردیابی جنایتکاران ... که به مصلحت جامعه و نظام کشور است.

۲- در آن زمان کبوتر به عنوان نامه رسانی نقشی در ارتباطات داشته است، در این زمان که دنیای ارتباطات نام گرفته است و وسایل و ابزار پیشرفته و مدرنی به کار گرفته می شود، همان حکمت وجود دارد.

۳- بازی هایی که به عنوان سرگرمی انجام می گیرد، نمی توان گفت: حکم حرمت بر آنها بار است، مگر آن که هیچ گونه مصلحت و فایده عقلایی در آنها تصور نشود، گرچه حکم به حرمت در این گونه موارد هم بی اشکال نیست.

نتیجه گیری

حوادثی که در پهنه ورزش به وقوع می پیوندد از جهت نتیجه، شخصیت، مرتکب، زمان و مکان با یکدیگر متفاوتند و نوع مسئولیت قانونی بستگی به این ویژگی دارد. حوادث ناشی از عملیات ورزشی، تخلفات مدیریت ها، معایب اسباب و وسائل، اماکن معیوب، هیاهوی تماشاگران، درگیری های ورزشکاران با یکدیگر یا با داوران و غیره، موضوع هایی

است که باید به طور جداگانه ای به آنها پرداخت که در تحقیق حاضر به مسئولیت انگاری ناشی از عملیات ورزشی از منظر حقوق مدنی و فقه امامیه پرداختیم. آنچه که مسلم است در صورت حوادث ورزشی و ایجاد آسیب دیدگی شخصی آسیب رساننده در حدود قوانین و مقررات مسئول بوده و بایستی از عهده خسارت وارده برآید. ضمن اینکه دامنه ی این مسئولیتها فقط شامل ورزشکاران نمی گردد بلکه شامل مسئولان اماکن ورزشی، سازندگان وسایل ورزشی، حتی تماشاچیان دارای وظایف خاصی بوده و در صورت عمل نکردن به وظایف خود بایستی جوابگو باشند. ولی اجرای قواعد عمومی مسئولیت در حقوق ورزشی ممکن نیست، زیرا پاره ای از جرائم مانند ضرب و جرح در این زمینه مباح و گاه ممدوح است و معیار تعیین خطای ورزشی را رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی است که فعل زیان بار واقع می شود و عامل اضطرار و دفاع مشروع را در این شرایط به حساب آورده اند.

در مکتب اسلام انجام فعالیت های ورزشی و پرورش روح و جسم از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و توصیه های فراوانی در راستای پرداختن به ورزش در کلام پیشوایان دین ملاحظه می شود. از آن جمله پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: به فرزندانان شما و تیراندازی را یاد بدهید. همچنین بطور صریح و واضح بعضی از ورزشها تأیید شده است، همانند: اسب دوانی، تیراندازی و شنا کردن. نبی اکرم فرمودند: « لا سَبَقَ الا فی خف او حافر او نصل... » هیچ مسابقه [و یا برد و باختی] روا نیست، جز شتردوانی یا اسب دوانی یا تیراندازی... و بعضی دیگر از ورزشها به طور غیر مستقیم تأیید شده است، مانند: دویدن و آنچه در قلمرو آن است و بعضی ورزشهای معمولی دیگر که به طرز روشن حرمت آن تذکر داده شده است چون بوکس بازی، گاو بازی و....

نتایج کلی تحقیق حاضر بیانگر این است که امروزه، دولت ها ناچار شده اند که از مجازات ایراد ضرب و جرح عمدی و خطرناک در این ورزشها چشم پبوشند و تنها به تعدیل خشونت ها و کاستن از خطرها قناعت کنند. لذا باید بپذیریم که اجرای قواعد عمومی، مسئولیت مدنی در این زمینه ممکن نیست و ناچار بایستی تقصیر ورزشی را تابع قواعد ویژه این حرفه کرد.

✽قرآن کریم

۱. آقایی نیا، حسین (۱۳۹۳). **حقوق ورزشی**، انتشارات بنیاد حقوق میزان، تهران.
۲. آمدی، عبدالواحد (۱۳۳۵). **عُرر الحکم و دُرر الکلم (مجموعه کلمات قصار حضرت علی (ع))**، جلد‌های ۱ و ۲، بی جا، ترجمه: محمد علی انصاری القمی.
۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۲۴ه.ق). **المغنی علی مختصر الخرقی**، جلد ۷، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیه.
۴. ارشادی فر، رسول (۱۳۸۴). **حقوق ورزشی**، نشریه حمایت، تهران.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲). **ترمینولوژی حقوق**، انتشارات گنج دانش، تهران.
۶. حر عاملی، محمد بن الحسین (۱۴۰۳ه.ق). **وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، جلد‌های ۱۲ و ۱۳، ناشر: موسسه ال بیت (ع) لاحیا تراث، قم.
۷. حلّی، جعفر بن حسن (۱۳۷۷). **شرائع الاسلام فی مسائل حلال و حرام**، جلد‌های ۱ و ۴، المكتبة دارالهدی، قم، گذرخان.
۸. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۸ه.ق). **قواعد الاحکام**، منشورات الرضی، قم.
۹. حلّی، محمد بن ادریس (۱۴۱۱ه.ق). **السرائر**، جلد ۲ و ۳، بی جا، مطبعة مؤسسه النشر السلامی، چاپ هشتم.
۱۰. خوشبختی، جعفر (۱۳۷۸). **اصول اخلاقی فردی**، حقوق و مسؤولیتها در ورزش، نشریه: ورزشی دانشگاه انقلاب - ۱۶۶.
۱۱. ساریخانی، عادل (۱۳۸۲). **«حقوق و تکالیف ورزشی»**، نشریه: بصیرت ۳۰ و ۳۱، تهران.
۱۲. شانه چی، کاظم (۱۳۷۸). **آیات الاحکام**، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، قم.
۱۳. صفایی، سید حسین؛ ذاکری نیا، حانیه (۱۳۹۴). **بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی غیر قراردادی**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (فصلنامه حقوق سابق)، مقاله ۷، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۲۶۵-۲۸۳.
۱۴. صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌ا... (۱۳۹۳). **مسئولیت مدنی**، انتشارات سمت، تهران.
۱۵. طرابلسی، عبدالعزیز بن البراج (۱۴۸۱ه.ش). **المهذب**، جلد اول، مؤسسه نشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم.
۱۶. طرابلسی، قاضی ابن براج (۱۴۱۶ه.ق). **جواهر الفقه**، المحقق: الشیخ ابراهیم البهادری، مؤسسه النشر الإسلامی، قم.

فصلنامه علمی-پژوهشی فقه و تاریخ تمدن • سال چهاردهم • شماره پنجاه و ششم • تابستان ۱۳۹۷

۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ه.ق). *المبسوط فی فقه امامیه*، جلد ۷، المكتبة المرتضوية، لاهیا آثار الجعفریة، تهران.
۱۸. عاملی، زین الدین الجبعی (شهید ثانی) (۱۴۱۰ه.ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، جلد ۲ و ۴، ناشر: مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة چهارم، قم.
۱۹. عاملی، زین الدین بین الجبعی (شهید ثانی) (۱۴۱۵ه.ق). *مسالك الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام*، جلد های ۴ و ۳ و ۶، مؤسسه المعارف الاسلامیة طبقه الاولى، قم.
۲۰. عاملی، محمد جواد حسینی (۱۳۷۸). *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*، كتاب دیات، چاپ لبنان - بیروت.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). *مقاله خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی*، تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۳، ص ۴۷.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷). *الزام های خارج از قرار داد جلد اول «قواعد عمومی» چاپ هشتم*، دانشگاه تهران، تهران.
۲۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). *مقدمه ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، چاپ ۱۰۴، انتشارات شرکت سهامی، تهران.
۲۴. محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۲). *قواعد فقه، (بخش مدنی ۲)*، ناشر: مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
۲۵. میرداداشی، سید مهدی (۱۳۹۳). *مسئولیت مدنی موسسات عمومی در حقوق ایران و مصر - انتشارات دانشگاه مفید، قم.*
۲۶. نجفی توانا، علی (۱۳۹۰). *قوانین و مقررات و جرایم ورزشی، نشریه: ورزش دانشگاه انقلاب، تهران.*
۲۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۳ه.ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، جلد های ۹، ۸، ۲۸، ۱۰، ۱۵، مؤسسه: المرتضی العالمیة، چاپ اول، بیروت - لبنان.
۲۸. نوری، حسین (۱۳۸۲ه.ق). *مستدرک الوسائل*، جلد سوم، مؤسسه آل البيت، قم.